

تمام جهان در من است

مکونه از خود کنیت
نمایند و نهاده باشند

هر آنچه در حسن آنی آنی
نمایند و نهاده باشند

سید ایمان سرور پور

مکونه از خود کنیت
نمایند و نهاده باشند

هر آنچه در حسن آنی آنی
نمایند و نهاده باشند

تسلیم مخصوص بودند + افزایش توانمندی + رسایخ

لذکسته داشت + فردیت یکباره پیش از هم پرس از همه

هدف چیست؟	۱۳
یافتن نقاط قوت میانبری برای چیرگی بر نقاط ضعف	۱۸
وظیفه‌ی ما بهترین خود بودن است	۱۹
پیروزی: شکستی که رها نشد	۲۲
گاهی سکوت از هر گفتنی، شنیدنی‌تر است	۳۰
هدف بدون عمل آرزو باقی می‌ماند	۳۱
جاده‌ی موفقیت	۳۴
قدرت در انعطاف است	۳۷
هدف را قربانی تعصبات بی‌جا نکن	۴۰
انسان ایده‌آل گراست	۴۲
راه رشد از رضایت می‌گذرد	۴۵
 سکوت	 ۵۱
هر آن‌چه در جستن آنی، آنی	۵۳
من از دید تو دیوانه‌ام، تو از دید من عادی هستی	۵۹
زمان مناسب یعنی الان	۶۱
آجر به آجر تا ساخت آینده	۷۰
خوبشختی یعنی در مسیر رویاهای بودن	۷۳
معجزه، برای توست یا بخشی از تو؟	۷۴
درون هر کدام از ما الماسی است در انتظار کشف شدن	۷۶
تسليم محض بودن + افزایش توانمندی = رسیدن	۷۹
شکست‌هایت را فقط یکبار بشمر آن هم پس از پیروزی	۷۹
ریسک خاص بودن را پذیر	۸۱

۱۵۸.....	اعدام به روش تلقین.....
۱۶۴.....	موفقیت دهن پر کن دیگران نباش.....
۱۶۶.....	تلفن همراه خوشبختی.....
۱۶۹.....	استخدام می شوی یا استخدام می کنی؟.....
۱۷۱.....	عمر ما را مجال امروز و فردا نیست.....
۱۷۴.....	فصل آخر شکرگزاری.....
۱۸۱.....	سخن آخر.....
۱۸۵.....	تمرینات پایان کتاب.....

۸۴.....	غیرممکن؛ برای تو یا برای من؟.....
۸۵.....	گر همه نیک و بد کنی به خود کنی.....
۸۷.....	جهان از تو چگونه یاد خواهد کرد.....
۸۸.....	چرخه‌ی مثبت.....
۹۱.....	هیچ تلاشی از بین نمی‌رود و فراموش نمی‌شود.....
۹۳.....	انتخاب آرامش.....
۹۶.....	مثبت رُباش.....
۹۹.....	صبر.....
۱۰۱.....	گاهی زندگیم را به موبی بسته، خداوند خالق بالهای پروانه.....
۱۰۳.....	همه می خواهند جهان را تغییر دهند.....
۱۰۶.....	مظلوم نمایی منع.....
۱۱۲.....	به استقبال چالش‌ها برو.....
۱۱۶.....	رام کردن اسب وحشی.....
۱۲۲.....	تیترخوان زندگی دیگران نباش.....
۱۲۴.....	بالاتر از وظیفه، قلب را دنبال کن.....
۱۲۶.....	ذهن بیکار جولانگاهی برای ترس‌ها و افکار منفی.....
۱۳۳.....	از مثبت‌اندیشی توقع معجزه نداشته باش تا معجزه‌اش را ببینی.....
۱۳۶.....	استراحت کن اما پا پس نکش.....
۱۳۹.....	تنها جنگ خوب جهان، جنگیدن بر سر رویاهاست.....
۱۴۳.....	تفکر سازنده.....
۱۴۵.....	تغییر: رسم ناب طبیعت.....
۱۴۸.....	به رکورد قبیلت هجوم ببر.....
۱۴۹.....	ارتش تک نفره.....

این بزرگترین دروغی است که روزی به خود گفتم
روزی که هیچ چیز با من نبود، نه شرایط و موقعیتی مناسب، نه
جایگاهی ویژه، نه سرمایه‌ای هنگفت و نه دستی حمایتگر.
همیشه در دلم می‌خواستم تکیه‌گاهی برای دیگران باشم و برایم سوال
این بود حال که خود تکیه‌گاهی ندارم آیا می‌شود به تکیه‌گاهی برای
دیگران تبدیل شد؟ گویی در سرمایی استخوان سوز میان کولاکی
شدید گرفتار شده بودم، نه راه رفتی و نه راه بازگشتی. به هر سو که
نگاه می‌کردم هیچ آینده‌ی واضح و مطمئنی به چشم نمی‌خورد، هیچ
رد پایی برای دنبال کردن وجود نداشت. تنها چیزی که به آن اطمینان
داشتم این بود که سرما به زودی به مغز استخوانم خواهد رسید ولی
من نمی‌خواستم زندگیم در مرگی از جنس یک خواب خلاصه شود.
هیچ کس راهی برای آرزوهای من باز نکرد، این من بودم که باید تک و
تنها در سرزمینی بکرو مسیری صعب‌العبور برای خود راه باز می‌کردم،